

انتقام از پدر باسرت تابلو فرش های نفیس

زن جوان که پس از طلاق به خانه پدری برگشته بود، وقتی با مخالفت پدرش برای ماندن در خانه مواجه شد به انبار وی دستبرد زد و تابلوفرش های نفیسنش را سرقت کرد. به گزارش جوان، چندی قبل مرد جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و گفت: سارق یا سارقانی به انبار خانه‌شان دستبرد زده و تعدادی قالیچه‌های ابریشمی و تابلوفرش‌های نفیس سرقت کرده‌اند. وی در توضیح ماجرا گفت: پدرم فرش فروشی داره و همیشه هم تعداد زیادی فرش و تابلوفرش نفیس در مغازه‌اش نگهداری می‌کند. مدتی قبل که تعداد فرش‌ها زیاد شد تصمیم گرفتمم تعدادی از فرش‌ها و تابلوهای نفیس را به انبار خانه‌مان که در یکی از خیابان‌های شمالی تهران است، منتقل کنیم.

خانه ما آپارتمان چهار طبقه‌ای است که پدرم در طبقه اول و ما سه‌برادر هم در طبقات دیگر آن زندگی می‌کنیم و به همین خاطر فکر کردیم انبار خانه‌مان امنی برای نگهداری فرش‌ها و تابلوفرش‌ها است، اما مدتی قبل متوجه شدم که تعدادی از فرش‌ها و تابلوها سرقت شده‌اند. وی در ادامه گفت: آنچه برای ما عجیب است درها و قفل‌های انباری سالم هستند و سارقان با کلید وارد انبار شده‌اند.

با طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان وارد عمل شدند.

خواهرم سارق است

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت: سارق فرش‌ها خواهرم است. وی گفت: وقتی متوجه سرقت از انباری خانه‌مان شدم احتمال دادم که وی سارق فرد آشنایی است و به همین خاطر همیشه کشیک می‌دادم تا اینکه شب گذشته متوجه شدم خواهرم شهین که مطلقه است و در ساختمان دیگری زندگی می‌کند با کلید وارد ساختمان ما شد و دقایقی بعد هم با یک قالیچه از ساختمان خارج شد.

با بدست آمدن این سرخ مأموران پلیس به دستور قضایی شهین را بازداشت کردند.

متهم ابتدا منکر سرقت از انبار فرش پدرش شد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به سرقت اعتراف کرد و گفت: دو سال قبل در فضای مجازی با مرد جوانی به نام فریدون آشنا شدم، او خودش را مهندس معرفی کرد و خیلی هم شیک پوش بود و هر زمانی هم که به سرانم می‌آمد خودروی لوکسی سوار بود که عاشق او شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. وقتی به خواستگاری‌ام آمد پدرم مخالفت کرد، اما من اصرار کردم و در نهایت هم پدرم راضی به ازدواج ما شد و مرا به خانه او فرستاد. مدتی گذشت تا اینکه فهمیدم او نه پولی دارد و نه خودروی لوکسی و تمام خودروهایی که سوار می‌شد برای فریب من از دوستانش کرایه کرده است.

انتقام از پدر

چراهی نداشتم و باید می‌سوختم و می‌ساختم، اما مدتی بعد متوجه شدم که او معتاد به مواد مخدر شده است. او چند باری وسایل جهیزیه‌ام و حتی طلا و جواهراتم را سرقت کرد، اما همیشه مدعی بود که سارقی به خانه‌مان دستبرد زده است. وی ادامه داد: دیگر نمی‌توانستم با او زندگی کنم و به همین خاطر از او جدا شدم و به خانه پدری‌ام رفتم، اما پدرم مرا به خانه‌اش راه نداد. پس از این هر چند روز یکبار به دیدن مادرم می‌رفتم تا اینکه فهمیدم پدرم تعدادی از فرش‌ها و تابلوفرش‌های نفیس مغازه‌اش را در انبار خانه نگهداری می‌کند. تصمیم گرفتم با سرقت فرش‌های ابریشمی و تابلوفرش‌ها؛ از پدرم انتقام بگیرم و با فروش آنها برای خودم زندگی خوبی دست و پا کنم. به همین دلیل در فرصتی مناسب کلید انباری را بدست آوردم و در چند نوبت اقدام به سرقت کردم که آخر دستم رو شد.

تحقیقات از متهم ادامه دارد.

مرگ رهگذر

هنگام عبور از عرض بزرگراه

مرد رهگذر هنگام عبور از عرض بزرگراه آزادگان در تصادف با خودروهای عبوری جان باخت.
به گزارش جوان، سرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس پایتخت توضیح داد: ساعت ۱۹:۱۰ شامگاه شنبه مأموران پلیس راهور تهران از حادثه رانندگی در لاین کندرو شرق به غرب بزرگراه آزادگان مقابل میوه و تره بار با خبر و در محل حاضر شدند. در بررسی‌های پلیس مشخص شد که مردی رهگذر در تصادف با خودروی پژو جانش را از دست داده‌است که جسد بعد از تأیید فوت به پزشکی قانونی منتقل شد. سرهنگ مؤمنی گفت: همواره عبور عابران از عرض بزرگراه و عدم استفاده از پل‌های عابر پیاده منجر به حوادث خونین شده است.



شهپاز، پسر جوانی است که در یکی از گروه‌های تلگرامی با زنی به نام پریسا آشنا شد. پریسا مدتی قبل از شوهرش طلاق گرفته و همراه پسر خردسالش زندگی می‌کرد با این حال شهپاز به او ابراز علاقه کرد و پیشنهاد ازدواج داد. هر چند پریسا اول به پیشنهاد او جواب مثبت داد اما وقتی از حرفش برگشت با ضربات چاقوی شهپاز به کام مرگ رفت. شهپاز پس از حادثه به کشور ترکیه گریخت ومدنی دوره یادبگاردی دید اما وقتی به تهران برگشت پلیس در انتظارش بود.

به گزارش جوان، شامگاه دوشنبه ۲۴ شهریور امسال مأموران کلانتری ۱۵۴ چیتگر تلفنی به قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اعلام کردند زن جوانی با ضربات متعدد چاقو از سوی فرد ناشناسی در یکی از پارکینگ‌های دریاچه چیتگر به شدت زخمی شده که پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌است.بالعالم این خبر بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در بیمارستان تحقیقات خود را آغاز کردند.

گفت‌وگو با متهم

شهپاز با مقتول چه نسبتی داری؟

نسبتی ندارم اما ما به او علاقه داشتیم و قصد داشتیم با او ازدواج کنیم.

چطور با او آشنا شدی؟

چندی قبل یکی از دوستانم مرا عضو گروه تلگرامی کرد و پریسا هم عضو آن گروه بود که پس از چند روز به او پیام دادم و دوست شدم.

خبیر داشتی او مطلقه است؟

اول نمی‌دانستم،اما بعد به من گفت که از شوهرش طلاق گرفته‌است و همراه پسر خردسالش زندگی می‌کند.

بعد چه شد؟

مدتی با هم از تباط پیامکی و تلفنی داشتیم تا اینکه به تهران آمدم و او را از نزدیک دیدم و بعد هم که به او علاقه پیدا کردم و عاشق او شدم و تصمیم گرفتم با پریسا ازدواج کنم.

کجا زندگی می‌کردی؟

حواشات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

قاتل فراری در ترکیه

آموزش بادبگاردی می‌دید

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مقتول که زن ۲۸ساله‌ای به نام پریسا است چند سال قبل از شوهرش جدا شده و همراه پسر خردسالش زندگی می‌کرد.

بدین ترتیب مأموران در گام نخست به شوهر قبلی این زن مظنون شدند و او وی تحقیق کردند که مشخص شد او در این حادثه نقشی نداشته و زمان حادثه هم در مکانی دیگری بوده‌است.

رد متهم

سبسی مأموران تحقیقات خود را در شاخه دیگری ادامه دادند که دریافتند مقتول از مدتی قبل با پسر ۲۰ساله‌ای به نام شهپاز از تباط داشته‌است و شب حادثه هم مقتول همراه او از خانه دوستش در شرق تهران برای تفریح با تاکسی اینترنتی به دریاچه چیتگر آمده‌اند.

بررسی‌های دوربین‌های مداربسته هم نشان داد پریسا و شهپاز ساعتی پس از قدم زدن در اطراف دریاچه داخل پارکینگ با هم درگیر می‌شوند که در جریان آن شهپاز با چاقو پریسا را زخمی و

پدرم در شهرستان دماوند دامداری دارم و من هم

همراه او در دامداری مشغول به کارم و به همین خاطر در شهرستان دماوند زندگی می‌کنم.

به پر پریسا پیشنهاد ازدواج دادی؟

بله، به او پیشنهاد ازدواج دادم که او گفت پسر خردسال دارد اما برای من اهمیتی نداشت که پسر خردسال دارد چون عاشق او شده بودم و می‌خواستم هر چه زودتر به او برسم، اما پر پریسا امروز و فردا می‌کرد و می‌خواستت به‌ او مهلت بدهم.

چرا؟

بیشتر پنهان پسرش را می‌گرفت و می‌گفت فرزندش بیماری کلیه دارد و باید اول او را درمان کند و بعد درباره ازدواج با من فکر کند.

به همین دلیل او را به قتل رساندی؟

نه، من او را به قتل نرساندم.

اما شب حادثه همراه او بودی؟

بله، همراه او بودم اما نمی‌دانم چه کسی او را به قتل

رسانده‌است.

درباره شب حادثه توضیح بده.

آن شب همراه پریسا و دوستش از شرق تهران برای تفریح به دریاچه چیتگر در غرب تهران آمدم، من دوباره از او خواستگاری کردم اما پریسا قبول نکرد و اصرار داشت و را فراموش کنم. به همین خاطر با او مشاجره لفظی کردم و فکر کنم بعد از اینکه من آنجا را ترک کردم دوست خود پریسا او را قبل رساند.

فکر کنم او رقیب عشقی پریسا بود و دوست داشت با من ازدواج کند و به همین دلیل او را به قتل رسانده‌است که به من برسد.

چرا شما بعد از قتل به کشور ترکیه فرار کردی؟

من برای ترکیه رفتم.

توضیح بده.

من از قبل می‌خواستم برای کار به ترکیه بروم به همین خاطر سه‌روز پس از حادثه به صورت

بعد از محل فرار می‌کند.

بدین ترتیب مأموران برای دستگیری شهپاز راهی محل زندگی او در شهر دماوند شدند اما دریافتند وی پس از حادثه به صورت غیر قانونی از مرز خارج شده و به کشور ترکیه گریخته‌است.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید شهپاز از کشور ترکیه به ایران بازگشته‌است. پس از این مأموران راهی محل زندگی سبسی مأموران و متهم فراری را دستگیر کردند. متهم صبح دیروز به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در حالی که تمامی شواهد و دلایل حکایت از آن داشت وی قاتل است و بازجویی‌ها مدعی می‌شند که زن مورد علاقه‌اش را به قتل رسانده‌است.

متهم در ادامه به دستور قاضی ساسان غلامی برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

غیرقانونی به کشور ترکیه رقتم و چند روز قبل هم

که برگشتم مأموران مرا دستگیر کردند.

چه کاری؟

مدتی آنجا کارگری کردم که در آدم خوب بود، اما از آنجایی که ورز شکارم و قوی هستم دوباره از او خواستگاری کردم اما پریسا قبول نکرد و اصرار داشت و را فراموش کنم. به همین خاطر با او مشاجره لفظی کردم و فکر کنم بعد از اینکه من آنجا را ترک کردم دوست خود پریسا او را قبل رساند.

و هم ورزش می‌کردم و در شهر وان هم دوره بادبگاردی می‌دیدم که دلم برای خانواده‌ام تنگ شد و تصمیم گرفتم برای چند روز به ایران بیایم و پس از دیدن خانواده‌ام دوباره به ترکیه برگردم

دستگیری شدی؟

کجا شامدعی هستی که قاتل نیستی اما دوربین‌های مداربسته چهره شما را

در حال ضربه بزندن با چاقو ضبط کرده

است؟

اچند لحظه‌ای سکوت می‌کنم آ نمی‌دانم اما من قاتل نیستم.

شهادت ۲ مأمور پلیس در ایلام

دو مأمور پلیس در گاومیشان شهرستان ایلام در جریان درگیری با شش‌روز مسلح به شهادت رسیدند.

شامگاه شنبه خبر رسید که در ایستگاه بازرسی پل گاومیشان در شهر ایلام حادثه تیراندازی اتفاق افتاده‌است. بررسی‌ها نشان داد که در جریان تیراندازی شش‌روز مسلح به سمت مأموران پلیس یکی از سربازان به نام محمد مهدی دیر کووند به شهادت رسیده‌است. همچنین مشخص شد که ستوان یکم روح‌الله باصره هم مجروح شده‌است که به بیمارستان منتقل شد. بعد از آن بود که تلاش‌های تیم پزشکی در این باره به جریان افتاد، اما مأمور پلیس به علت شدت جراحت روی تخت بیمارستان به شهادت رسید.



اجیر کردن آتش افروز

برای انتقام از همسر سابق

مرد کینه خور پس از جدایی از همسرش هم نتوانست نفرت خود را نسبت به او فراموش کند، برای همین برای انتقام دو مرد را اجیر کرد تا خوددروی همسر سابقش را آتش زنند.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران توضیح داد: ساعت سه باامداد چهارم آبان‌ماه‌امسال بود که به مأموران پلیس خبر رسید حادثه آتش سوزی در یکی از خیابان‌های جنوب غرب تهران اتفاق افتاده‌است. با حضور پلیس و امدادگران مشخص شد که یک خودروی تیبای سفید دچار آتش سوزی شده که آتش‌نشانان حریق را خاموش کردند. مالک خودروی لیفان فرمزنگ در محل توقف کرد هم خودش را به محل رساند و گفت از کسی که حادثه را رقم زده شکایت دارد، او گفت: من در خدامه خواب بودم و خودروام را هم مقابل ساختمان پارک کرده‌بودم تا اینکه همسایه‌ها تماس گرفتند و گفتند که ماشینم در حال سوختن است.

بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. تحقیقات در این باره با بررسی دوربین‌های مداربسته به جریان افتاد. بررسی تصاویر نشان داد که لحظاتی قبل از حادثه یک خودروی لیفان فرمزنگ در محل توقف کرده‌است. به جز راننده مرد دیگری در صندلی جلو سوار بود که از ماشین پیاده شده و روی خودروی تیبای بنزین ریخته و بعد از کشیدن کبریت تیبارا آتش زده و هر دو از محل دور شده‌اند.

مأموران پلیس در اولین گام پلاک خودروی تیبارا بررسی و راننده آن را شناسایی و بازداشت کردند. او گفت: من از ماجرای آتش سوزی خبر ندارم. سحرگاه در حال عبور از خیابان بودم که مردی کنار خیابان دست بلند کرد که توقف کردم چون در آن وقت وارد دو محلهای لیفان در حالی مطرح می‌شد که براساس تصاویر به دست آمده مرد آتش افروز بعد از ایجاد حریق سوار لیفان شده و هر دو از محل دور شده‌اند. متهم وقتی با تصاویر مواجه شد راز آتش افروزی را بر ملا کرد و گفت: یکی از دوستانم که شایان نام دارد دو سال قبل از همسرش جدا شد و بعد از جدایی از همسرش هنوز از او کینه داشت برای همین گفت که می‌خواهد از او انتقام بگیرم. شایان ۵۰۰ هزار تومان به من و یکی از دوستانم که امیر نام دارد داد که خودروی همسر سابقش را آتش بزنیم که قبول کردیم. من و امیر هم مطابق نقشه خودروی همسر سابقش را آتش زدیم.

با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت شایان و امیر هم بازداشت شده و در جریان اعتراف کردند. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

پویش مردمی یک نهال یک زندگی

از جزئیات پویش مردمی "یک نهال-یک زندگی" می‌توانند به سامانه ملی فرهنگ سازی اهدای عضو به نشانی -www.eh-ir.dacenter.ir مراجعه کنند. همچنین هشتگ اصلی این پویش در فضای مجازی #یک_نهال_یک_زندگی می‌باشد که همراهان پویش می‌توانند علاوه بر ارسال ویدیو به شماره اعلامی در سایت، با ذکر این هشتگ و تگ کردن صفحه رسمی انجمن به نشانی @ehdacenter در فضای مجازی (اینستاگرام) ویدیوهای کاشت نهال خود را انتشار دهند.

وعده ما ۱۵ اسفند ۱۳۹۹

#یک نهال _ یک _ زندگی #درخت _ نامیرا #درخت _زندگی #درخت _هدا

#تولدی _دوباره #جانبخش _باشیم#

سالانه در ایران پنج تا هشت هزار مورد مرگ مغزی رخ می‌دهد که مطابق نرخ جهانی، نیمی از این موارد (حدود ۳ هزار نفر) قادر به اهدای عضو هستند.

با این حال، مناسبانه میزان اهدای عضو سالیانه در کشور تنها یک‌سوم میزان مورد انتظار است. این در حالی است که روزانه بین هفت تا ۱۰ نفر از بیماران نیازمند به پیوند عضو، به علت نرسیدن به موقع عضو مناسب پیوندی جان خود را از دست می‌دهند.

طی تحقیقات به عمل آمده، در حال حاضر حدود ۹۰۰۰ خانواده، با گذشت و ایثار وصف ناپذیری رضایت به اهدای اعضای بدن عزیزان خود (افراد مرگ مغزی) داده‌اند و باعث نجات یافتن حدود هفتاد هزار نفر از بیماران نیازمند به پیوند اعضا از رنج و درد بیماری شده‌اند.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر

انجمن اهدای عضو ایرانیان با هدف زنده نگاه داشتن یاد و خاطره اهدا کنندگان عضو و تقدیر از خانواده‌های ایشان پویش مردمی کاشت نهال را برگزار می‌کند.

■ ■ ■

این پویش با اطلاع رسانی از طریق رسانه ملی و رسانه‌های تصویری مجازی در روز ۱۵ اسفند، هم‌زمان با روز درختکاری، بر گزار خواهد شد. هر هم وطن می‌تواند به یاد این عزیزان جانبخش، نهالی کاشته و ویدئویی کوتاه از ایسن حرکت به همراه بیان احساس خود در قالب جمله ای خطاب به خانواده‌هایی که با این تصمیم بزرگ، به ۱۰۸ بیمار نیازمند، حیاتی دوباره بخشیدند، برای انجمن ارسال نمایند.

■ آثار برگزیده از رسانه ملی و رسانه‌های مجازی بخش خواهد شد.